

نظریه ازمهم گسیختگی نهادی و قانون‌گریزی

مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز

آرش حیدری،* کریم رضادوست،** شهروز فروتن‌کیا***

چکیده

هدف پژوهش حاضر آزمون نظریه ازمهم گسیختگی نهادی در تبیین قانون‌گریزی است. برای این کار از یک سو به بررسی رابطه فردگرایی، پیشرفت‌گرایی، جهان‌گرایی و بت‌وارگی پول - به‌عنوان چهار ارزش فرهنگی برای موفق شدن - با قانون‌گریزی پرداختیم و از سوی دیگر رابطه پایگاه اجتماعی - اقتصادی در دو بعد عینی و ذهنی را با قانون‌گریزی و ازمهم گسیختگی نهادی و همچنین عناصر آن بررسی کردیم. روش این پژوهش پیمایش بود. پرسش‌نامه تهیه شده از مقیاس‌های ازمهم گسیختگی نهادی، پایگاه اجتماعی - اقتصادی عینی و ذهنی و قانون‌گریزی تشکیل شده بود. جامعه نمونه این پژوهش کل دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز بودند که از طریق نمونه‌گیری طبقه‌ای ۴۰۰ نفر از آن‌ها به‌صورت تصادفی انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد که ازمهم گسیختگی نهادی با قانون‌گریزی رابطه معنادار و مثبت دارد. همچنین نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که اثر فردگرایی و بت‌وارگی پول بر قانون‌گریزی معنادار است و اثر پیشرفت‌گرایی و جهان‌گرایی قابل چشم‌پوشی است. از سوی دیگر، نتایج نشان داد که قانون‌گریزی با پایگاه اجتماعی - اقتصادی رابطه ندارد. همچنین بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی عینی و ازمهم گسیختگی نهادی همبستگی مثبت و ضعیفی مشاهده شد.

کلیدواژه‌ها: قانون‌گریزی، ازمهم گسیختگی نهادی، فردگرایی، پیشرفت‌گرایی، جهان‌گرایی، بت‌وارگی پول.

* دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی فرهنگی دانشگاه علامه طباطبایی arash.heidary@yahoo.com

** دانشیار گروه جامعه‌شناسی شهید چمران اهواز rezadoostk@yahoo.com

*** دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی روستایی دانشگاه تهران sh.froutankia@yahoo.com

تاریخ دریافت: ۹۰/۶/۱۲ تاریخ پذیرش: ۹۱/۳/۳۰

مسائل اجتماعی ایران، سال سوم، شماره ۲، زمستان ۱۳۹۱، صص ۳۹-۵۹

مقدمه

قانون‌گزینی مشکل اجتماعی گسترده‌ای است که در حال حاضر بخش اعظمی از مردم کشور به آن مبتلا شده‌اند (نجفی توانا، ۱۳۸۱ به نقل از کلانتری و دیگران، ۱۳۸۴). قانون‌گزینی از جمله مسائل اجتماعی است که تهدیدی علیه نظم و سازمان اجتماعی محسوب می‌شود. قانون و تبعیت از آن همواره یکی از معضلات تاریخی پیش روی جامعه ایران محسوب می‌شده است. «از یک طرف جدال بر سر مشروعیت مرجع تصویب قوانین و از سوی دیگر پیروی و تمکین شهروندان به قوانین مصوب دو مشکل اساسی جامعه ایران است» (رضایی و عباداللهی، ۱۳۸۵: ۶۹). در حالی که ابعاد ناهنجاری در قالب قانون‌گزینی و رفتارهای انحرافی در کشورهای در حال توسعه شدیدتر است، متأسفانه تحقیقات کافی در این زمینه در این کشورها صورت نگرفته است (رفیع‌پور، ۱۳۷۸).

گذر از جامعه سنتی به مدرن، مواجهه با پدیده‌ها و تکنولوژی‌های وارداتی، شرایط بی‌ثبات سیاسی، تهدیدات خارجی و بحران‌های اقتصادی و سایر عوامل همه و همه دست به‌دست می‌دهند و شرایطی را در این جوامع به وجود می‌آورند که قانون‌گزینی به مثابه رفتاری نهادینه‌شده در کنشگران درمی‌آید. در این فضا - که با اصطلاحات دورکیم (۱۹۶۶) می‌توان آن را شرایطی ازهم‌گسیخته نامید - کنشگران تنها علایق خود را پی می‌گیرند و برای تحقق اهداف خود هر وسیله‌ای را مجاز می‌شمارند، چرا که کنشگر عرصه ازهم‌گسیخته فاقد حس همدلی اجتماعی است. از جمله علت‌های عمده قانون‌گريز شدن افراد جامعه این است که هنجارها قدرت تنظیم‌کنندگی خود را بر رفتار و آرزومندی‌های انسان‌ها از دست می‌دهند و چنانچه آرزومندی‌ها افسارگسیخته شوند به صورت نیازهای سیری‌ناپذیری درمی‌آیند که هیچ‌گاه ارضا نمی‌شوند. دورکیم معتقد بود که «این طبیعت بشری نیست که محدوده تغییرپذیر ضروری نیازهای ما را تعیین می‌کند، یعنی نیازها تا جایی که به فرد بستگی دارند نامحدود هستند. اگر نیروهای نظم‌دهنده بیرونی نباشند، توانایی احساس ما به خودی خود سیری‌ناپذیر و نامحدود است» (دورکیم، ۱۳۷۸: ۴۲۲). لذا یکی از عمده‌ترین ریشه‌های قانون‌گزینی کنشگران اجتماعی را می‌توان آرزومندی‌های افسارگسیخته و تأکید مفرط بر موفقیت‌های مالی و اقتصادی دانست.

اغلب نظرسنجی‌ها و تحقیقاتی که به سنجش میزان قانون‌گرایی در بین ایرانیان پرداخته‌اند به این نتیجه رسیده‌اند که در ایران تمایل زیادی به رعایت قانون در جامعه دیده نمی‌شود (ر.ک رضایی، ۱۳۸۴). طرح مسئله قانون‌گریزی در جامعه ایران از این رو حائز اهمیت است که ایران در سه دهه گذشته با تغییرات ساختاری و فرهنگی عمده‌ای مواجه بوده است که هر کدام از آنها تغییرات شدیدی را در سطح جامعه و زندگی هرروزه افراد پدید آورده‌اند که در عین جنبه‌های مثبتی که برخی از این تغییرات در پی داشته‌اند شرایط جدیدی را پیش روی کنشگران نهاده‌اند که عدم سازگاری با آنها طبعاً رفتارهای خودمحوارانه و قانون‌گریزانه را در پی دارد. تغییراتی از جمله انقلاب، جنگ هشت ساله، رشد سریع جمعیت، بسط و گسترش رسانه‌های جمعی، بالارفتن سطح کمی آموزش عالی و... که هر کدام می‌توانند اثری شدید بر ساختار فرصت‌ها و آرزومندی‌ها در جامعه بگذارند.

نظریه‌های ازم گسیختگی دورکیم (۱۸۹۷) تا مسنر و روزنفلد (۲۰۰۱) از جمله قوی‌ترین نظریه‌ها در تبیین رفتارهای انحرافی و مجرمانه در معنای عام بوده‌اند و سیر تاریخی آنها پویایی این نظریه‌ها را نشان می‌دهد، به طوری که از ۱۸۹۷ تا امروز هنوز هم جزء پرکاربردترین نظریه‌ها در حوزه جامعه‌شناسی انحرافات محسوب می‌شوند.

اگرچه چهره‌های برجسته نظریه ازم گسیختگی مانند دورکیم، مرتون، کلووارد و اوهلین و البرت کوهن در ادبیات جامعه‌شناسی انحرافات در کشورمان کمابیش شناخته شده‌اند، جدیدترین نسخه نظریه ازم گسیختگی که به ازم گسیختگی نهادی معروف است در پژوهش‌های داخلی مورد توجه قرار نگرفته است. لذا در پژوهش حاضر قصد داریم کارآمدی این نظریه را در تبیین رفتارهای قانون‌گریزانه در یک جمعیت دانشجویی به آزمون بگذاریم.

چهارچوب نظری

جدیدترین نسخه نظریه ازم گسیختگی مربوط است به نظرات استیون مسنر و ریچارد روزنفلد. نظریه آنها رویکردی سطح کلان از نظریه ازم گسیختگی است و نظریه ازم گسیختگی نهادی (IAT1) نامیده می‌شود و رفتارهای ضداجتماعی را تابعی از اثرات فرهنگی و نهادی

¹ Institutional anomie theory

در جامعه آمریکایی می‌بیند (سیگل، ۱۹۹۸: ۱۷۷). بحث اصلی این رویکرد ارائه تبیینی در مورد میزان بالای جرم در ایالات متحده (نسبت به دیگر کشورهای غربی) است و از این حیث نظریه‌ای سطح کلان محسوب می‌شود.

وجه تمایز نظریه ازهم‌گسیختگی نهادی از دیگر نظریه‌های ازهم‌گسیختگی این است که فرهنگ و ساختار اجتماعی را با توجه به تجلیاتی که در نهادهای اجتماعی دارند بررسی می‌کند. این نظریه، مانند هر نظریه دیگری در مورد ازهم‌گسیختگی، با اتکا به مبانی دورکیمی خود بر این فرض بنیان نهاده شده است که سطوح بهنجار جامعه و اشکال فعالیت‌های مجرمانه موجود در جامعه نشان‌دهنده ویژگی‌های بنیادین سازمان آن جامعه هستند (مسنر، هلموت و روزنفلد، ۲۰۰۸).

IAT شکلی از مفهوم‌پردازی در مورد «نهادهای» را می‌پذیرد که پارسونز مطرح می‌کند. آن‌ها در شرح اثر پارسونز بر این نظریه به جنبه‌هایی از کار پارسونز می‌پردازند که برای این نظریه کلیدی محسوب می‌شود. پارسونز در مطالعه نهادهای اجتماعی دو رویکرد را از یکدیگر متمایز می‌کند: رویکرد «ذهنی» و رویکرد «عینی». رویکرد ذهنی بر دیدگاه کنشگر اتکا دارد و برای فهم رفتارها در سطح فردی بسیار ضروری است. رویکرد عینی به چشم‌انداز مشاهده‌کننده جامعه‌شناس در مطالعه نهادها اشاره دارد؛ این رویکرد با ویژگی نظام نهادی در کل جامعه مطابقت دارد.

از منظر ذهنی، نهادها نقش بسیار مهمی در هدایت کنش‌ها ایفا می‌کنند که عموماً نوعی از روابط «هدف-وسیله» را دربرمی‌گیرد. کنشگران اهدافی را انتخاب می‌کنند و وسایل یا راه‌های مناسب را برای رسیدن به این اهداف گزینش می‌کنند. تناسب وسایل و اهداف با ارجاع به استانداردهای مشخص عقلانی تعیین می‌شوند. عقلانی بودن استانداردهای یک وسیله به ماهیت هدف بستگی دارد. برای مثال، تناسب استانداردها برای ارزیابی هدفی تجربی (مانند رسیدن به منابع ایمن مالی) با استانداردهای ارزیابی هدفی متعالی (مانند رستگاری) متفاوت است (مسنر و دیگران، ۲۰۰۸).

پارسونز معتقد است کنشگران مجموعه اهداف و وسایل متعددی دارند که زنجیره‌ای پیچیده از روابط هدف-وسیله را تشکیل می‌دهند، به‌طوری یک هدف برای هدفی دیگر در مراتب بعدی می‌تواند وسیله محسوب شود. پارسونز معتقد است برای به‌وجود آمدن نظم اجتماعی افراد باید کنش‌های خود را حول اهداف مشترک با یکدیگر هماهنگ کنند. این

هماهنگی تنها زمانی به وجود می‌آید که میزانی از انسجام در مورد اهداف نهایی در نظام اجتماعی به وجود آید. به عبارت دیگر، او فرض می‌کند که جامعه دارای نظامی ارزشی است که برای اعضای آن جامعه معنادار و مشترک است. وقتی این نظام ارزشی صدمه ببیند و شرایط به شکلی شود که فاقد هرگونه وفاق در مورد اهداف نهایی باشد، نظام دچار بی‌ثباتی شدید و هرج و مرج می‌شود که مانند وضعیت طبیعی‌ها، همه علیه همه می‌جنگند. برای پارسونز نظام ارزشی مشترک پایه‌ای است که نهادهای اجتماعی روی آن قرار می‌گیرند (ماهيو، ۱۹۸۲).

مسر و روزنفلد با استفاده از این مبانی پارسونز و سنت فکری ازهم گسیختگی - خصوصاً دورکیم و مرتون - مبانی نظریه خود را پایه‌ریزی می‌کنند که در ادامه به شرح آن می‌پردازیم. مطابق این نظریه جرم در جوامعی اتفاق می‌افتد که توازن نهادهای آن‌ها بر هم خورده و ارزش‌های اقتصادی به سایر نهادهای غیراقتصادی وارد شده‌اند. از نظر این دو ازهم گسیختگی به این دلیل گسترش یافته است که نهادهایی که باید تأکید مفرط بر موفقیت مالی را کنترل کنند (خانواده و آموزش و پرورش) تضعیف و خود حامل ارزش‌های اقتصادی شده‌اند (ساولانن، ۲۰۰۰).

در چنین جوامعی، که اقتصاد نهاد مسلط است، ارزش‌های فرهنگی موفق‌شدن به هر وسیله ممکن را تشویق می‌کنند. چهار ارزش فرهنگی عمده مورد تأکید عبارت‌اند از: پیشرفت‌گرایی، فردگرایی، جهان‌گرایی^۱ و بت‌وارگی پول^۲ (موفتیک، ۲۰۰۶).

پیشرفت‌گرایی یعنی آرزوی موفق‌شدن. این موفقیت ملاکی است که هرکس با آن سنجیده می‌شود. مسر و روزنفلد معتقدند فشار فرهنگی برای پیشرفت‌گرایی به حدی است که «مهم نیست شما چطور بازی می‌کنید، تنها چیزی که اهمیت دارد این است که می‌برید یا می‌بازید» (مسر و روزنفلد، ۲۰۰۱: ۶۳). بت‌وارگی پول در واقع نوع خاصی از پیشرفت‌گرایی است که همان موفقیت پولی و اقتصادی است. پول و ثروت عمده‌ترین ملاک سنجش موفقیت فرد هستند. مسر و روزنفلد معتقدند مقدار پولی که تعیین‌کننده پایگاه و عزت فرد می‌شود بی‌پایان است. به عبارت دیگر موفقیت مالی حد نهایی ندارد. پیشرفت مالی نیازمند پیشرفت

¹ Unirversalism

² Money fetishism

بی‌پایان است و به این منجر می‌شود که فرد پیشرفت را به هر وسیله ممکن دنبال کند (مسر و روزنفلد، ۲۰۰۱: ۶۴). فردگرایی به فشار فرهنگی اشاره دارد که طبق آن فرهنگ به فرد فشار می‌آورد تا با تلاش‌های فردی خودش موفق شود. از سوی دیگر فشار فرهنگی به گونه‌ای است که موفق شدن را نه تنها بدون کمک گرفتن از دیگران از فرد طلب می‌کند، بلکه از همه افراد جامعه از هر نژاد، قومیت یا جنسیتی که باشند انتظار موفقیت دارد؛ این مورد به جهان‌گرایی اشاره دارد. مطابق اصل جهان‌گرایی، ارزش‌ها (فردگرایی، جهان‌گرایی و بت‌وارگی پول) و اهداف (پیشرفت‌گرایی) مشابهی از همه افراد طلب می‌شود (موفتیک، ۲۰۰۶).

آنها با مرتون موافق هستند که اهداف توفیق‌آمیز در فرهنگ آمریکایی فراگیر است. آنها این اهداف را در قالب اصطلاح «رؤیای آمریکایی» طرح می‌کنند، اصطلاحی که هم به‌عنوان هدف مطرح می‌شود و هم فرایند. در قالب هدف، رؤیای آمریکایی بر جمع کردن پول، ثروت و امور مادی در فضای باز رقابتی دلالت دارد و در قالب فرآیند، به اجتماعی شدن برای دنبال کردن توفیق مادی و پیشرفت‌گرایی دلالت می‌کند. شرایط ازهم‌گسیخته زمانی اتفاق می‌افتد که خواست این اهداف بر سایر اهداف چیرگی پیدا کند و این اهداف تنها راه پیشرفت‌گرایی تلقی شوند (مسر و روزنفلد، ۱۹۹۷).

مطابق نظر آنها این فضای ازهم‌گسیخته به این دلیل است که نهادهایی که باید تأکید مفرط بر توفیق اقتصادی را کنترل کنند (مانند خانواده و مدرسه) قدرت خود را از دست داده‌اند و تحت سلطه اهداف اقتصادی قرار گرفته‌اند. آنها برای ضعف این نهادها سه دلیل برمی‌شمرند:

۱. کارکردها و نقش‌های غیراقتصادی ارزش‌زدایی شده‌اند، یعنی کارکردن در دیگر نهادها - خانواده، مدرسه، یا سایر اجتماعات - اولویت کمتری نسبت به توفیق مالی دارد.
۲. زمانی که تعارضی بروز می‌یابد، نقش‌های غیراقتصادی تحت انقیاد نقش‌های اقتصادی قرار می‌گیرند و برنامه‌ها و مطالبات کاری و مالی بر مطالبات خانوادگی، تحصیلی و دیگر جنبه‌های زندگی اجتماعی اولویت دارند.
۳. زبان، استانداردها و هنجارهای اقتصادی حوزه‌های غیراقتصادی را نیز در بر گرفته‌اند. مثلاً همسر خود را «مدیر» خانواده می‌بیند. گویی که با محیط کاری سروکار دارد (سیگل، ۱۹۹۸: ۹-۱۷۸).

با این اوصاف نهادهای غیراقتصادی توان تنظیم رفتار افراد را از دست داده‌اند. عمده‌ترین این نهادها خانواده، مدرسه و مذهب هستند و این مسئله می‌تواند به ازم گسیختگی و در نتیجه بالارفتن میزان جرم بینجامد.

پیشینه پژوهش

برگارد و کوچران^۱ (۲۰۰۸) نظریه ازم گسیختگی نهادی را با استفاده از داده‌های ثانویه آزمون کردند. این داده‌ها در مورد میزان دزدی و قتل، به‌عنوان شاخص‌های ناکارآمدی نهادهای اجتماعی غیراقتصادی در کنترل رفتارهای مجرمانه، تشکیل شده بودند. نتایج آن‌ها گزاره‌های کلیدی نظریه ازم گسیختگی نهادی را تأیید کردند؛ بدین معنا که با ضعیف شدن نهادهای غیراقتصادی میزان جرم بالاتر می‌رود.

چاملین و کوچران (۱۹۹۵) این گزاره را آزمودند که اثر شرایط اقتصادی بر میزان جرم به قدرت نهادهای غیراقتصادی بستگی دارد. آن‌ها برای آزمون این گزاره میزان جرایم اقتصادی را بررسی کردند. درصد خانواده‌های زیر خط فقر به‌عنوان شاخص شرایط اقتصادی در نظر گرفته شد؛ میزان طلاق و خانواده‌های گسسته به‌عنوان شاخص توان نهاد خانواده؛ عضویت و رفتن به کلیسا به‌عنوان قدرت نهاد مذهب؛ و درصد افراد در سن رأی و همچنین افرادی که رأی می‌دهند نیز به‌عنوان شاخص توان نهاد سیاست در نظر گرفته شد. نتایج نشان داد زمانی که قدرت نهادهای غیراقتصادی (خانواده، سیاست، مذهب) در جامعه کمتر می‌شود اثر فقر بر جرم بالاتر می‌رود.

مسنر و روزنفلد (۱۹۹۷) نیز در مطالعه‌ای گزاره‌های نظریه خود را آزمودند. آن‌ها در پی بررسی اثر نیروهای بازار و ضدکالایی شدن^۲ کار بر میزان قتل در ملیت‌های مختلف بودند. با کنترل متغیرهای اجتماعی-اقتصادی و جمعیت‌شناختی ۴۵ ملیت مختلف دریافتند که ملیت‌هایی که نمرات بالاتری در کالازدایی کار می‌گیرند میزان پایین‌تری از قتل را دارند.

^۱ Bjerregaard&Cochran

^۲ کالایی شدن فرایندی است که در آن ارزش هر چیز با میزان ارزش پولی آن سنجیده می‌شود.

آن‌ها نتیجه گرفتند هرچه کالازدایی بیشتر باشد میزان اتکای شهروندان به بازار برای احساس خوشبختی پایین تر می‌آید.

تنها مطالعه‌ای که از هم‌گسیختگی نهادی را در سطح فردی آزموده است مطالعه موفتیک (۲۰۰۶) است. او در مطالعه خود درباره ۱۲۲ دانشجوی آمریکایی الاصل و ۴۸ دانشجوی خارجی مقیاس از هم‌گسیختگی نهادی را برای سنجش در سطح فردی و گرایش دانشجویان به تقلب بین آن‌ها توزیع کرد. نتایج حاکی از آن بود که هرچه از هم‌گسیختگی نهادی بالاتر رود گرایش به تقلب بالاتر می‌رود. در عین حال نتایج نشان داد که دانشجویان آمریکایی جهت‌گیری اقتصادی بیشتری در نگرش‌های خود دارند تا دانشجویان خارجی.

تحقیقات داخلی در این زمینه اندک‌اند، تنها کار قابل تأملی که در این زمینه صورت گرفته است تحقیق رفیع‌پور (۱۳۷۸) در تهران است. در این تحقیق رابطه متغیرهای «وضعیت اقتصادی» «تحمل»، «امید به آینده»، «اعتماد»، «ملاحظات اجتماعی» و «پیروی از قانون» بررسی شد.

داده‌ها به صورت مصاحبه‌ای و توسط ۱۴۰ مصاحبه‌گر بر اساس نمونه‌گیری خوشه‌ای در سطح شهر تهران درباره ۳۵۰ نفر از سرپرستان خانوار (همگی مرد) جمع‌آوری شد. نتایج نشان داد که «نه فقط دزدی و کارهای نامشروع افزایش یافته بلکه بالاخص در زمینه هنجارهای رسمی، عدم رعایت قواعد و هنجارها بسیار گسترده است» (رفیع‌پور، ۱۳۷۸: ۱۵۲) در عین حال میزان رعایت هنجارها در زمینه هنجارهای رسمی (سنتی) مانند هنجارهای مربوط به مراسم ازدواج بیشتر بود. ارزیابی ذهنی از وضعیت اقتصادی اثر ضعیفی بر متغیر دستیابی به اهداف داشت. میزان تحمل وضعیت اقتصادی و میزان امید به آینده بر اعتماد اجتماعی و ملاحظات اجتماعی اثر مستقیمی داشت. «پایبندی‌های مذهبی» بالاترین اثر را بر اعتماد اجتماعی داشت. کاهش اعتماد اجتماعی و ملاحظات اجتماعی در کنار عوامل دیگر بر رفتار از هم‌گسیخته و عدم تمایل به پیروی از هنجارها مؤثر بودند. متغیر «تحصیلات» با وضعیت مالی و دستیابی به اهداف رابطه‌ای قوی و مثبت داشت، اما با رفتار از هم‌گسیخته رابطه معناداری را نشان نمی‌داد.

پنجه‌پور (۱۳۸۱) در تحقیقی با عنوان «عوامل اجتماعی مؤثر بر از هم‌گسیختگی در بین دانش‌آموزان» تأثیر متغیرهای پایگاه اقتصادی-اجتماعی، میزان تفاوت ارزشی با والدین، مشارکت و نظارت اجتماعی را بر از هم‌گسیختگی بررسی کرد. داده‌ها از طریق پرسش‌نامه به

روش پیمایشی از ۳۲۰ پرسش‌نامه با دانش‌آموزان دبیرستانی و پیش‌دانشگاهی اصفهان استخراج شد. یافته‌ها نشان داد که پیوستگی با خانواده و تفاوت ارزشی بین والدین و فرزندان با ازهم‌گسیختگی رابطه مستقیم داشت و پایگاه اقتصادی-اجتماعی، مشارکت و نظارت اجتماعی با ازهم‌گسیختگی رابطه عکس دارند. همچنین افزایش سن پاسخگویان با ازهم‌گسیختگی رابطه مستقیم داشت و دختران نسبت به پسران میزان ازهم‌گسیختگی بیشتری از خودشان دادند.

کرد زنگنه (۱۳۸۵) در پژوهشی که در مورد ۹۰۷ نفر از دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهرستان رامهرمز انجام داد به بررسی رابطه بین متغیرهای امید به آینده، رضایت از پایگاه اجتماعی، جنسیت، موفقیت تحصیلی، اعتماد به مسئولان و پایگاه اقتصادی با آنومی پرداخت. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که آنومی در بین پسران بیشتر از دختران است اما فرضیه رابطه پایگاه اقتصادی با آنومی تأیید نشد. به عبارتی دیگر نشان داده شد که احترام به جوانان و توجه به آنان برایشان مهم‌تر است. دیگر یافته‌ها درباره رابطه موفقیت تحصیلی و آنومی و اعتماد به مسئولان با آنومی بود. همچنین متغیر امید به آینده بیشترین اثر را بر میزان آنومی داشته است و ۳۰ درصد واریانس متغیر وابسته را توضیح می‌دهد.

مرجایی (۱۳۸۲) در پژوهشی با عنوان «سنجش و بررسی احساس آنومی در میان جوانان» انواع آنومی (سیاسی، اقتصادی و اجتماعی) را در بین ۵۰۰ نفر از جوانان شهر تهران بررسی کرد. نتایج این پژوهش نشان داد که شکل‌گیری آنومی اقتصادی در میان جوانان ۶۱ درصد به احساس آنومی اجتماعی بستگی دارد و آنومی اقتصادی ۲۳ درصد به احساس آنومی اقتصادی وابسته است و هرچه احساس آنومی اجتماعی و اقتصادی بالاتر می‌رود احساس آنومی سیاسی نیز بالا می‌رود و سیر صعودی به خود می‌گیرد.

فرضیات تحقیق

با توجه به آنچه گذشت، در پژوهش حاضر قصد داریم به بررسی رابطه ازهم‌گسیختگی نهادی و عناصر آن (فردگرایی، پیشرفت‌گرایی، جهان‌گرایی و بت‌وارگی پول) با قانون‌گریزی بپردازیم و این آزمون را در بستر طبقاتی افراد صورت دهیم. بدین معنا که از یک سو به

بررسی رابطه از هم گسیختگی نهادی و پایگاه اجتماعی- اقتصادی در دو بعد ذهنی و عینی با قانون‌گزینی می‌پردازیم و از سوی دیگر توزیع طبقاتی از هم گسیختگی نهادی را نیز بررسی می‌کنیم. این طرح در قالب فرضیات زیر آزمون می‌شود.

۱. هرچه از هم گسیختگی نهادی بالاتر رود میزان قانون‌گزینی بالاتر می‌رود.
 - ۱.۱. هرچه فرد‌گرایی بالاتر رود میزان قانون‌گزینی بالاتر می‌رود.
 - ۲.۱. هرچه پیشرفت‌گرایی بالاتر رود میزان قانون‌گزینی بالاتر می‌رود.
 - ۳.۱. هرچه جهان‌گرایی بالاتر رود میزان قانون‌گزینی بالاتر می‌رود.
 - ۴.۱. هرچه بت‌وارگی پول بالاتر رود میزان قانون‌گزینی بالاتر می‌رود.
۲. پایگاه اجتماعی- اقتصادی با قانون‌گزینی رابطه دارد.
 - ۱.۲. بعد عینی پایگاه اجتماعی- اقتصادی با قانون‌گزینی رابطه دارد.
 - ۲.۲. بعد ذهنی پایگاه اجتماعی- اقتصادی با قانون‌گزینی رابطه دارد.
۳. پایگاه اجتماعی اقتصادی (در هر دو بعد عینی و ذهنی) با از هم گسیختگی نهادی رابطه دارد.

- ۳.۱. پایگاه اجتماعی اقتصادی (در هر دو بعد عینی و ذهنی) با فرد‌گرایی رابطه دارد.
- ۳.۲. پایگاه اجتماعی اقتصادی (در هر دو بعد عینی و ذهنی) با پیشرفت رابطه دارد.
- ۳.۳. پایگاه اجتماعی اقتصادی (در هر دو بعد عینی و ذهنی) با جهان‌گرایی رابطه دارد.
- ۳.۴. پایگاه اجتماعی اقتصادی (در هر دو بعد عینی و ذهنی) با بت‌وارگی پول رابطه دارد.

روش پژوهش

جامعه نمونه این پژوهش کل دانشجویان دانشگاه شهید چمران اهواز بودند. با توجه به جدول کرجس و مورگان نمونه ۳۷۷ نفره برای جامعه ۲۰۰۰۰ نفری دانشجویان دانشگاه چمران نمونه‌ای معرف محسوب می‌شود. این تعداد نمونه با استفاده از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای و به نسبت تعداد دانشجویان هر دانشکده انتخاب شدند. ۴۱۵ پرسش‌نامه به صورت تصادفی بین دانشجویان توزیع شد که ۱۵ پرسش‌نامه به علت ناقص بودن کنار گذاشته شد و ۴۰۰ پرسش‌نامه برای تحلیل نهایی باقی ماند.

ایزار سنجش

پرسش‌نامه طراحی شده از چهار مقیاس تشکیل شده بود که به شرح آن‌ها می‌پردازیم.

مقیاس ازهم گسیختگی نهادی

این مقیاس را موفتیک ساخت و اعتباریابی کرده است. این مقیاس بر چهار عنصر که در اصطلاح رؤیای آمریکایی نامیده می‌شود تأکید دارد. این چهار بعد عبارت‌اند از فردگرایی، پیشرفت‌گرایی، جهان‌گرایی و بت‌وارگی پول. برای بعد اول پنج بخش در نظر گرفته شده مانند: «موفق بودن مهم‌تر از شاد بودن است». بعد دوم نیز پنج بخش دارد از جمله: «برای پولدار شدن حاضرم از خیلی چیزها در زندگی بگذرم». بعد سوم یا همان جهان‌گرایی نیز دو بخش دارد، مانند: «هرکس سخت کار کند می‌تواند موفق شود» و نهایتاً بعد بت‌وارگی پول نیز از سه بخش تشکیل شده است، از جمله: «پول‌دار شدن یکی از اصلی‌ترین اهداف من در زندگی است». پاسخ‌ها روی طیف لیکرت از «کاملاً موافق=5» تا «کاملاً مخالف=1» درجه‌بندی شدند. بعد از ترجمه مقیاس برای تعیین اعتبار آن را به متخصصان جرم‌شناسی ارجاع دادیم. برای تعیین روایی از آلفای کرونباخ بهره گرفتیم. آلفای کل مقیاس 0/79 و آلفای تک‌تک ابعاد بدین شرح بود: فردگرایی 0/67، پیشرفت‌گرایی 0/75، جهان‌گرایی 0/65، بت‌وارگی پول 0/66.

پایگاه اجتماعی - اقتصادی (عینی)

پایگاه اجتماعی - اقتصادی (عینی) به جایگاهی عینی اشاره دارد که افراد در نظام قشربندی اقتصادی و توزیع نابرابر مادی اشغال می‌کنند؛ در این تعریف طبقه برحسب استانداردهای مادی زندگی و معمولاً با درآمد یا ثروت تعریف می‌شود (ریتزر، 2005: 18-17). پژوهشگر در سنجش طبقه عینی معیارهای عضویت در طبقات اجتماعی را، که غالباً «درآمد، شغل و سطح تحصیلات» است، به کار برده است.

برای عملیاتی کردن این متغیر پاسخ‌آزودنی‌ها به سؤال از «میزان درآمد ماهانه» به این صورت نمره‌گذاری شد: «بین 100 تا 200 هزار تومان=1 و تا بالاتر از 1 میلیون تومان=10».

نمرات حاصل از "سطح تحصیلات پدر" و "سطح تحصیلات مادر" به سال و "شغل آزمودنی: بیکار، کارگر، کارمند، مدیر ارشد، آزاد" با یکدیگر جمع شد و نمره پایگاه اجتماعی - اقتصادی در بعد عینی به صورت فاصله‌ای محاسبه گردید.

پایگاه اجتماعی - اقتصادی (ذهنی)

مقوله‌هایی اجتماعی هستند که عناصر مشترک ذهنی برجسته‌ای داشته باشند و افراد آن‌ها را به کار بگیرند تا خود را در یک نظام قشربندی اقتصادی رده‌بندی کنند (ریترز، ۲۰۰۵: ۷۱۷). سنجش طبقه ذهنی درجه‌بندی افراد به وسیله خودشان است.

برای عملیاتی کردن این متغیر از مقیاس به کاررفته در مطالعه نبوی و دیگران (۱۳۸۷) استفاده کردیم. این مقیاس از ۶ بخش تشکیل شده است که برخی از بخش‌ها به این شرح‌اند: "فکر می‌کنید درآمد خانواده شما تا چه حد برای هزینه زندگی‌تان کفایت می‌کند؟" طیف پنج‌قسمتی جواب‌ها بدین قرار بود:

«خیلی کافی=۵»، «کافی=۴»، «تاحدی کافی=۳»، «ناکافی=۲» و «خیلی ناکافی=۱». اگر مردم را به پنج طبقه اقتصادی (خیلی بالا، بالا، متوسط، پایین، خیلی پایین) تقسیم کنند، خانواده خود را در کدام طبقه اقتصادی قرار می‌دهید؟ طیف پنج‌قسمتی جواب‌ها بدین قرار بود: «خیلی بالا=۵»، «بالا=۴»، «متوسط=۳»، «پایین=۲» و «خیلی پایین=۱». آلفای کرونباخ این مقیاس در مطالعه نبوی و دیگران ۰/۷۱ و در مطالعه حاضر ۰/۶۹ به دست آمد.

قانون‌گریزی

به میزان تمایل فرد برای شکستن قوانین رسمی و عرفی جامعه اشاره دارد، به گونه‌ای که رفتاری از فرد بروز کند که طبق قانون جرم تلقی شود.

برای سنجش این متغیر طیفی از رفتارهای انحرافی را در قالب این سؤال مورد بررسی قرار دادیم: "میزان توافق خود را با جملات زیر بیان نمایید". جملات مورد سؤال پیرامون ۶ رفتار انحرافی بودند که عبارت‌اند از: اجتناب از دادن کرایه در حمل و نقل؛ مالیات ندادن در صورتی که بتوان از زیر مالیات در رفت؛ خریدن چیزی که احتمال دزدی بودن آن می‌رود؛ گرفتن رشوه در حین انجام وظیفه؛ گزارش ندادن خسارتی که ناخواسته به یک اتومبیل پارک

کرده رسانده‌ایم؛ عبور از چراغ راهنما اگر پلیس در صحنه حضور نداشته باشد. پاسخ‌ها روی طیف لیکرت از "کاملاً موافق=۵" تا "کاملاً مخالف=۱" درجه‌بندی شدند. ضریب پایایی آلفا برای این مقیاس ۰/۹۴ بود.

یافته‌های پژوهش

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، از مجموع ۴۰۰ نفر دانشجو ۱۹۱ نفر مرد و ۲۰۹ نفر زن بودند. میانگین سنی پاسخگویان ۲۱/۹۰ بود. ۲۹۸ نفر ساکن شهر و ۱۰۲ نفر ساکن روستا بودند. همچنین توزیع قومیتی پاسخگویان بدین شرح بود: ۳۷ ترک، ۷۷ کرد، ۱۰۹ لر، ۶۴ عرب، ۱۱۳ فارس.

جدول ۱. مشخصات جمعیت‌شناختی پاسخ‌دهندگان

متغیر	جنس		محل سکونت				قومیت		
	مرد	زن	شهر	روستا	ترک	کرد	لر	عرب	فارس
فراوانی	۱۹۱	۲۰۹	۲۹۸	۱۰۲	۳۷	۷۷	۱۰۹	۶۴	۱۱۳
درصد معتبر	۴۷/۷۵	۵۲/۲۵	۷۴/۵۰	۲۵/۵۰	۹/۲۵	۱۹/۲۵	۲۷/۲۵	۱۶	۲۸/۲۵

میانگین و انحراف معیار تک تک گویه‌های مقیاس از هم گسیختگی نهادی در هر چهار بعد در جدول ۲ آمده است. همچنین میانگین و انحراف معیار قانون‌گریزی و تک‌تک بخش‌های آن نیز در جدول ۳ آمده است.

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار گویه‌ها و ابعاد از هم گسیختگی نهادی

انحراف معیار	میانگین	آیتم
۱/۱۱	۲/۷۳	فردگرایی
۱/۰۰	۳/۰۳	موفق بودن مهم‌تر از شاد بودن است.
۱/۱۰	۲/۸۵	حاضرم هر کاری انجام دهم تا بتوانم چیزهای ارزشمند را در زندگی به‌دست آورم.
۱/۰۹	۲/۵۴	حاضرم از خیلی چیزها در زندگی‌ام چشم‌پوشم تا بتوانم در کارم پیشرفت کنم.
۱/۰۱	۲/۱۷	حاضرم تمام توان و انرژی خودم را صرف کنم تا بتوانم در کارم پیشرفت کنم.

شاد بودن مهم تر از موفق بودن است.	۳/۰۵	۱/۲۲
پیشرفت	۲/۹۷	۱/۰۸
برای پولدار شدن حاضرم از خیلی چیزها در زندگی ام بگذرم.	۲/۱۴	۱/۱۳
برای پیشرفت کردن نیازی به کمک دیگران ندارم.	۲/۹۲	۱/۰۶
وارد دانشگاه شده‌ام چون دیگر دوستانم چنین انتظاری از من داشتند.	۳/۰۲	۱/۱۵
موفقیت یک فرد با مقدار پولی که دارد سنجیده می‌شود.	۳/۲۹	۱/۰۳
وارد دانشگاه شده‌ام چون والدینم چنین انتظاری از من داشتند.	۳/۵۱	۱/۰۷
جهان‌گرایی	۲/۱۸	۱/۰۹
هر کس سخت کار کند می‌تواند موفق شود.	۲/۱۲	۱/۰۴
هر کس خودش مسئول شکست خودش است.	۲/۲۴	۱/۱۲
بت‌وارگی پول	۳/۲۱	۱/۶۷
پول‌دار شدن یکی از اصلی‌ترین اهداف من در زندگی است.	۳/۴۷۱	۱/۳۲
هدف من از دانشگاه آمدن رسیدن به یک شغل خوب و مناسب است.	۳/۱۳	۱/۶۹
هدف من از دانشگاه آمدن این است که بتوانم در آینده پولدار شوم.	۳/۰۹	۱/۶۵

جدول ۳. میانگین نمره قانون‌گزینی و تک‌تک آیتم‌های آن

آیتم	میانگین	انحراف معیار
قانون‌گزینی	۲/۵۳	۱/۵۲
عبور از چراغ راهنما اگر پلیس در صحنه حضور نداشته باشد.	۲/۷۸	۱/۳۵
گزارش ندادن خسارتی که ناخواسته به یک اتومبیل پارک کرده رسانده‌ایم.	۲/۵۸	۱/۵۷
مالیات ندادن در صورتی که بتوان از زیر مالیات دررفت.	۲/۷۲	۱/۵۱
گرفتن رشوه در حین انجام وظیفه.	۲/۴۱	۱/۵۰
خریدن چیزی که احتمال دزدی بودن آن می‌رود.	۲/۱۹	۱/۶۰
اجتناب از دادن کرایه در حمل‌ونقل.	۲/۴۹	۱/۵۴

برای آزمون فرضیات پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده کردیم. جدول ۴ این ضرایب را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود کلیه ابعاد از هم‌گسیختگی نهادی با قانون‌گزینی همبستگی مثبت و معناداری دارند. این ضریب برای فردگرایی ۰/۱۸۳، برای پیشرفت‌گرایی ۰/۱۳۷، برای جهان‌گرایی ۰/۱۵۷ و برای بت‌وارگی پول ۰/۱۶۹ است. کل مقیاس از هم‌گسیختگی نهادی با قانون‌گزینی دارای همبستگی ۰/۲۱۸ است. همان‌طور که مشاهده می‌کنید، بت‌وارگی پول دارای بالاترین ضریب همبستگی با قانون‌گزینی است. یافته

جالب توجه دیگر معنادار نبودن همبستگی بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی در هر دو بعد با قانون‌گریزی است. اگرچه فرض وجود رابطه بین این دو متغیر رد می‌شود، این نشان‌دهنده یافته ارزشمندی در این زمینه است؛ بدین معنا که تمایل به قانون‌گریزی دارای توزیع طبقاتی نیست و تمامی جامعه از اقشار مختلف درگیر این مسئله هستند. همین مسئله در مورد روابط همبستگی پایگاه در هر دو بعد با ابعاد ازهم گسیختگی نهادی صادق است، به این معنا که تأکید مفرط بر موفقیت به هر قیمتی و به عبارت دیگر اقتصادی شدن فضای جامعه امری لزوماً طبقاتی نیست و در سرتاسر جامعه یکسان پراکنده شده است. هرچند همبستگی بعد عینی پایگاه اجتماعی - اقتصادی با پیشرفت‌گرایی مثبت و معنادار است (۰/۱۰۲)، این همبستگی خفیف است. زمانی که ابعاد ازهم گسیختگی نهادی را با هم جمع کردیم مشاهده شد که نمره کلی با پایگاه اجتماعی - اقتصادی در بعد ذهنی رابطه ندارد، اما با بعد عینی پایگاه اجتماعی - اقتصادی همبستگی مثبت خفیف و معناداری دارد.

جدول ۴. ضرایب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

مقیاس	طبقه عینی	طبقه ذهنی	فردگرایی	پیشرفت‌گرایی	جهان‌گرایی	بت‌وارگی پول	ازهم گسیختگی نهادی	قانون‌گریزی
طبقه عینی	-	۰/۱۰۷x	۰/۰۷۷	۰/۱۶۲xx	۰/۰۲۳	۰/۰۱۶	۰/۱۰۲x	۰/۰۰۸
طبقه ذهنی		-	۰/۰۲۴	۰/۰۴۹	-۰/۰۱۶	۰/۰۰۵	۰/۰۴۲	۰/۰۰۵
فردگرایی			-	۰/۵۲۱xx	۰/۴۷۰xx	۰/۳۴۸xx	۰/۸۱۶xx	۱۸۳xx
پیشرفت‌گرایی				-	۰/۳۲۶xx	۰/۳۵۴xx	۰/۷۷۹xx	۰/۱۳۷xx
جهان‌گرایی					-	۰/۳۱۸xx	۰/۶۳۲xx	۰/۱۵۷xx
بت‌وارگی پول						-	۰/۶۹۸xx	۰/۱۶۹xx
ازهم گسیختگی نهادی							-	۰/۱۱۸xx

xx همبستگی در سطح ۰/۰۵ معنادار است.

x همبستگی در سطح ۰/۰۱ معنادار است.

جدول ۵ به نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون با روش گام به گام برای اثر ابعاد ازهم گسیختگی نهادی بر قانون‌گزینی اختصاص یافته است. نتایج نشان می‌دهند که فردگرایی با ضریب بتای ۰/۱۴۱ و بت‌وارگی پول با ضریب بتای ۰/۱۲۰ بیشترین اثر را در تبیین واریانس قانون‌گزینی دارند و اثر پیشرفت‌گرایی و جهان‌گرایی قابل چشم‌پوشی است. همچنین ضریب همبستگی چندگانه برابر با ۰/۳۳ و ضریب تعیین $10/89 =$ مجذور آر به دست آمد که نشان می‌دهد ۱۰/۸۹ درصد از واریانس قانون‌گزینی توسط ازهم گسیختگی نهادی تبیین می‌شود.

جدول ۵. نتایج حاصل از بازگشت قانون‌گزینی به فردگرایی، پیشرفت‌گرایی، جهان‌گرایی، و بت‌وارگی پول با روش گام به گام

متغیر ملاک: قانون‌گزینی						
RS=.033 R=.183						
گام دوم (آخر)	متغیرهای پیش‌بین	B	Beta	t	std	sig
RS=.046 R=.215	فردگرایی	۰/۳۱۷	۰/۱۴۱	۲/۶۹	۰/۱۱۸	۰/۰۰۷
	بت‌وارگی پول	۰/۲۹۸	۰/۱۲۰	۲/۲۹	۰/۱۳۰	۰/۰۲

یافته‌های جانبی

نتایج حاصل از آزمون تی نشان داد که مردان قانون‌گريزتر از زنان هستند. این نتایج در جدول ۶ آمده است. میانگین نمره قانون‌گزینی زنان ۲/۳۸ و میانگین نمره مردان ۲/۷۲ است. همچنین دانشجویانی که محل سکونتشان شهر بود قانون‌گريزتر از ساکنان روستا بودند. میانگین نمره قانون‌گزینی برای ساکنان شهر ۲/۶۱ و برای ساکنان روستا ۲/۲۹ بود.

جدول ۶. نتایج آزمون تی برای تفاوت میانگین زنان و مردان در قانون‌گزینی

سطح معناداری	مقدار t	درجه آزادی	میانگین قانون‌گزینی
۰/۰۰۶	۲/۷۷	۳۹۸	مردان = ۱۶/۳۵
			زنان = ۱۴/۱۳
۰/۰۳	۲/۰۸	۳۹۸	شهر = ۱۵/۶۷
			روستا = ۱۳/۷۵

جدول ۷ نشان می‌دهد که هیچ تفاوتی در قانون‌گریزی بین قومیت‌های مختلف وجود ندارد. این یافته نیز نشان می‌دهد که برخی افکار قالبی در این مورد که برخی قوم‌ها قانون‌گریزتر از قوم‌های دیگر هستند دست کم در بین دانشجویان مصداق ندارد.

جدول ۷. نتایج تحلیل واریانس برای تفاوت میانگین نمرات قومیت‌های مختلف در قانون‌گریزی

معناداری	اف	مربع میانگین‌ها	درجه آزادی	جمع مربع‌ها
۰/۳۵۸	۱/۰۹	۷۰/۹۷	۴	۲۸۳/۹۰
		۶۴/۷۲	۳۹۵	۲۵۵۶۴/۲۷
			۳۹۹	۲۵۸۴۸/۱۷
				کل

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر آزمون نظریه‌ی ازم گسیختگی نهادی به‌عنوان جدیدترین نسخه‌ی نظریه‌ی ازم گسیختگی در جامعه‌ی ایران بود. پژوهشگران با تمرکز بر چهار فرضیه‌ی اصلی و فرضیات فرعی گزاره‌های کلیدی این نظریه را آزمودند. نتایج حاکی از آن بود که اولاً ازم گسیختگی نهادی اثر معنادار مثبت و ضعیفی بر قانون‌گریزی دارد و از بین ابعاد آن اثر فردگرایی و بت‌وارگی پول معنادار است. این یافته نشان می‌دهد که اگرچه تأکید بر موفقیت در سطح باورهای معمولی که در جامعه وجود دارد امری مطلوب و ارزشی رایج است، پیامدهای نامطلوبی نیز برای جامعه به دنبال دارد. اینکه هر فرد خودش مسئول پیشرفت و موفقیت خودش شود و موفقیت را بدون کمک دیگران کسب کند روی دیگر کنشگر ازم گسیخته و خودمحور دورکیم است که برای تحقق آرزوهای افسارگسیخته‌ی خود دست به هرکاری می‌زند. از سوی دیگر موفقیت پولی و اقتصادی به‌عنوان اصلی‌ترین ملاک موفقیت افراد نیز می‌تواند افراد را به اعتقاد به این گزاره سوق دهد که «هدف وسیله را توجیه می‌کند». تأیید اثر معنادار بت‌وارگی پول بر قانون‌گریزی به نوعی تأیید نظریه‌های پیشین ازم گسیختگی خاصه نظریه‌ی رابرت مرتون (۱۹۶۸) نیز هست. مرتون (۱۹۶۸) معتقد است در جامعه کسب پول امر مهمی است. به نحوی که پول علاوه بر کارکردهای خاص خود نظیر واسطه‌ی مبادلات بودن به‌عنوان «نمادی از پرستیژ» نیز پذیرفته شده است. پول به هر ترتیبی که به دست آید- فریب کارانه یا به‌طور نهادی- برای خرید کالا یا خدمتی یکسان مصرف می‌شود. او معتقد است

هدف موفقیت پولی مبین آن است که افراد جامعه از هر سو با فرمان‌هایی بمباران می‌شوند که این حق یا وظیفه را توجیه می‌کند که ولو با ناکامی‌های مکرر باید به این هدف برسند. بدین ترتیب، هر فرد باید پول‌دار شود و این رؤیا نقطه پایان ندارد. مرتون معتقد است تمام کارگزارانی که در شکل‌گیری شخصیت فرد دخل و تصرف دارند - یعنی خانواده، مدارس، محل کار و... - دست به دست هم داده‌اند تا فکر انسان را باز کنند تا موجب توفیق شغلی و پولی او شوند (مرتون، ۱۹۶۸: ۷۸-۷۶)؛ همین بخش از اندیشه مرتون است که به بهترین وجه توسط مسنر و روزنفلد مورد استفاده قرار گرفته است.

یافته جالب توجه دیگر پژوهش این بود که قانون‌گزینی، دست‌کم در بین دانشجویان، توزیع طبقاتی ندارد. این یافته نشان‌دهنده معضلی اجتماعی در ایران است. چراکه انتظار می‌رود مطابق نظریه مرتون (۱۹۶۸) افراد طبقات پایین‌تر به علت دسترسی کمتری که به ابزارهای نهادی برای رسیدن به اهداف فرهنگی دارند تمایل بیشتری به قانون‌گزینی - که مصداقی از واکنش بدعت از واکنش‌های پنج‌گانه مرتون است - داشته باشند؛ اما یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که قانون‌گزینی در ایران مسئله‌ای فراگیرتر از توزیع طبقاتی دارد.

آنچه در آزمون نظریه ازهم‌گسیختگی نهادی اهمیت دارد و توجه چندانی به آن نشده این است که عناصر ازهم‌گسیختگی نهادی در تمام جامعه و در بین تمامی طبقات یکسان توزیع شده‌اند. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که پایگاه اجتماعی-اقتصادی در بعد عینی با ازهم‌گسیختگی نهادی رابطه مثبت و معناداری دارد، اما این رابطه خفیف است. از سوی دیگر، پایگاه اجتماعی-اقتصادی (عینی) تنها با بعد پیشرفت‌گرایی رابطه مثبتی نشان می‌دهد. این یافته را به نوعی می‌توان تأیید بحث رودمن^۱ (۱۹۶۳) دانست. او معتقد است که اگرچه افراد متعلق به طبقات پایین‌تر به اندازه سایر طبقات موفقیت و پیشرفت‌گرایی را مطلوب می‌دانند، برای سازگاری با محرومیت خود میزان کمتری از موفقیت را طلب می‌کنند. رودمن این واکنش را مانند الگوی انطباق رابرت مرتون واکنشی برای کم کردن فشار ناشی از محرومیت می‌داند. او می‌نویسد: «مقصود ما از کشیدگی ارزشی این است که فرد متعلق به طبقه پایین‌تر، بدون اینکه ارزش‌های عام جامعه را رها کند، مجموعه ارزش‌های جایگزینی را پرورش می‌دهد. او بدون ترک ارزش‌هایی که برای موفقیت قائل است، مانند درآمد و تحصیلات بالا و پیشرفت‌گرایی

^۱ Rodman

شغلی، ارزش‌هایی را بسط می‌دهد که بر اساس آن‌ها میزان کمتری از موفقیت برای او مطلوب باشد (رودمن، ۱۹۶۳: ۲۰۹).

در مجموع، یافته‌های پژوهش حاضر گزاره‌های نظریه‌ی ازهم‌گسیختگی نهادی را تا حدودی در جامعه‌ی دانشجویی ایران تأیید کرد. این یافته‌ها نشان می‌دهند که نهادهای مسئول باید توجه خاصی به آموزش‌های جوانان و نوجوانان داشته باشند. تأکید مفرط بر موفقیت و تعیین موفقیت اقتصادی، به‌عنوان نمونه‌ی اعلا‌ی موفقیت، اگرچه به ظاهر نوعی هدف‌گذاری برای جوانان و نوجوانان محسوب می‌شود، از سوی دیگر تضعیف سایر نهادهای اجتماعی است که هدف کنترل رفتارهای آدمی را دارند. زمانی که همه‌ی نهادهای اجتماعی در خدمت ترغیب فرد برای دستیابی به موفقیت به هر قیمتی هستند، قانون‌گریزی و انواع رفتارهای مجرمانه پیامدی طبیعی است. زمانی که تمامی رسانه‌های جمعی از سریال‌های تلویزیونی گرفته تا روزنامه‌ها و تبلیغات ماهواره‌ای و اینترنتی حول موفقیت اقتصادی و تلاش برای پیشرفت می‌گردند برای مخاطب گزینه‌ی دیگری برای موفقیت تعریف نمی‌شود. لذا تمامی برنامه‌ریزی‌های او برای رسیدن به موفقیتی صورت می‌گیرد که هیچ‌گاه حد نهایی ندارد. با این اوصاف کنشگری که در معرض چنین بمباران تبلیغاتی قرار می‌گیرد همواره در هر سطحی از موفقیت هم که باشد دچار احساس محرومیت نسبی است.

با توجه به این مسائل پیشنهاد می‌شود در محتوای برنامه‌های آموزشی و سرگرمی‌های رسانه‌ای بازنگری کلی صورت گیرد، چراکه پژوهش حاضر نشان می‌دهد تولید مداوم و افسارگسیخته‌ی نیاز و آرزومندی یکی از عمده‌ترین علت‌های قانون‌گریزی در ایران است.

منابع

- پنجه‌پور، نسرین (۱۳۸۱) «عوامل اجتماعی مؤثر بر ازهم‌گسیختگی در بین دانش‌آموزان»، *آموزه، شماره ۱۵: ۳۶-۴۲*.
- رضایی، محمد (۱۳۸۴) «میزان، نوع و عوامل مؤثر بر قانون‌گریزی»، *مجله جامعه‌شناسی ایران، دوره ۶، شماره ۳: ۴۷-۶۹*.

- رضایی، محمد و حمید عباداللهی (۱۳۸۵) «جامعه بی انضباط، فراتحلیل قانون گریزی در ایران»، فصلنامه مطالعات ملی، سال هفتم، شماره ۳: ۶۷-۹۱.
- رفیع پور، فرامز (۱۳۷۸) ازهم گسیختگی یا آشفته‌گی اجتماعی، پژوهشی در زمینه پتانسیل ازهم گسیختگی در شهر تهران، تهران: سروش.
- کلانتری، صمد، رسول ربانی و کامران صداقت (۱۳۸۴) «ارتباط فقر و قانون گریزی و شکل گیری آسیب اجتماعی»، فصلنامه رفاه اجتماعی، سال ۵، شماره ۱۸: ۶۵-۹۵.
- کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ (۱۳۸۷) نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نی.
- کرد زنگنه، منصور (۱۳۸۵) «بررسی رابطه زمینه‌های اجتماعی با ازهم گسیختگی در میان دانش‌آموزان پیش‌دانشگاهی شهرستان رامهرمز»، فصلنامه دانشگاه آزاد واحد شوشتر، سال اول، شماره ۲: ۲۹۶-۲۷۳.
- مرجایی، سیدهادی (۱۳۸۲) «سنجش و بررسی احساس ازهم گسیختگی در میان نوجوانان»، مطالعات جوانان، سال اول، شماره ۵: ۲۳-۶۰.
- نبوی، سیدعبدالحسین، علی حسین حسین‌زاده و سیده هاجر حسینی (۱۳۸۷) «بررسی تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی، احساس بی‌قدرتی و هویت قومی بر احساس امنیت اجتماعی»، فصلنامه دانش انتظامی، سال دهم، شماره ۲ (پیاپی ۳۹): ۹-۳۶.
- Bjerregaard, Beth and J. K. Cochran (2008) "A Cross-National Test of Institutional Anomie Theory: Do the Strength of Other Social Institutions Mediate or Moderate the Effects of the Economy on the Rate of Crime?", *Western Criminology Review*, 9 (1): 31-48.
- Chamlin, Mitchell B. and John K. Cochran. (1995) "Assessing Messner and Rosenfeld's Institutional Anomie Theory: A Partial Test", *Criminology*, 33: 411-429.
- Durkheim, Emile [1897] (1966) *Suicide*, Translated by Spaulding, John A And George Simpson, NY: Free Press.
- Mayhew, H. L. (1982) *Talcott Parsons: Institution and Social Evolution, The Heritage of Sociology*, Chicago: The University of Chicago Press.
- Merton Robert. K. (1968) "*Social Structure and Anomie*" in *Theory of Deviance*, edited by Stuart J. Traub, B. and F. E. Craig Httle, London: Peacock Publishers.
- Messner, S. and S. Rosenfeld (2001) *Crime and American Dream* (3rd ed.) Belmont, CA: Wadsworth.

- _____ and Richard Rosenfeld (1997) "Political Restraint of The Market And Levels of Criminal Homicide: A Cross-National Application of Institutional Anomie Theory", *Social Forces*, 75: 1393-1416.
- _____ and H. Thome and and R. Rosenfeld (2008) "Want Amid Plenty: Developing and Testing Cross-National Measure of Anomie", *International Journal of Conflict and Violence*, 2 (2): 182-193.
- Muftic, Lisar (2006) "Advancing Institutional Anomie Theory: A Microlevel Examination Connectiong Culture, Institutions, And Deviance", *International Journal of Offender Therapy and Comparative Criminology*, 50 (6): 630-653.
- Ritzer George (2005) *Encyclopedia of Social Theory*, Sage Reference Publications, Vol 2, London: Sage.
- Rodman, H. (1963) "The Lower Class Value Stretch", *Social Forces*, 42: 205-15.
- Savolainen, Jukka (2000) "Inequality, Welfare State and Homicide: Further Support for The Institutional Anomie Theory", *Criminology*, 38: 1021-1042.
- Siegel, larry. S. (1998) *Criminology*, Stamford: West Wadsworth Publishing Company.